



توصیه رسانه‌ها، اندیشکده‌ها و تحلیلگران به مقامات کاخ سفید:

## تنش غرب آسیا را شدت بخشید

### ترجمه

#### گروه سیاسی

حمله پهبادی یکشنبه گذشته به یک مقر نیروهای آمریکایی در نزدیکی مرز سوریه و اردن که به کشته شدن سه سرباز این کشور انجامید، واکنش‌های بسیاری را به دنبال داشت. این واکنش‌ها، هم درون آمریکا و هم بیرون مرزهای این کشور بوده است. تازه‌ترین واکنش برون مرزی و بین‌المللی نسبت به این رویداد، از سوی چین اتخاذ شد که طی آن، با تأکید بر عدم ارتباط این حمله با ایران، خواستار جلوگیری از هر اقدامی شد که به گسترش تنش در غرب آسیا منجر می‌شود. اما واکنش‌ها در داخل آمریکا، چه در رسانه‌های مطرح این کشور و چه در اندیشکده‌ها و مراکز عمده فکرسازی، متفاوت بوده است. برخی، که دارای پیشینه ضدایرانی پررنگ‌تری هستند، انگشت اتهام را به سمت ایران نشانه گرفته و بر این اساس، خواستار اقدام نظامی آمریکا علیه اهدافی مشخصاً ایرانی هستند. در مقابل، طیف گسترده‌تری را

مقامات ارشد ایالات متحده در حال تدوین برنامه‌هایی برای نحوه و زمان واکنش به حمله پهبادی اخیر هستند، در همین حال مقامات ارشد نظامی پیشین، با برخورداری از تجربه‌ای مستقیم از درگیری‌ها در خاورمیانه، به نیوزویک توضیح می‌دهند که (در این صورت) چه اتفاقاتی ممکن است در پیش باشد. آنان در عین حال درباره عواقب احتمالی بدسنجی‌هایی هشدار می‌دهند که می‌تواند منجر به همان جنگ تمام‌عیاری شود که هم واشنگتن و هم تهران ادعا می‌کنند که سعی در دوری از آن دارند.

از جمله جوزف ووتل، یک ژنرال بازنشسته ارتش ایالات متحده که پیش از این به عنوان رئیس فرماندهی مرکزی ایالات متحده، سننگام، و نیز فرماندهی نیروهای عملیات ویژه خدمت کرده است، به نیوزویک گفت که مقامات ایالات متحده اکنون احتمالاً در حال «تجزیه و تحلیل و ارزیابی رهبری، فرماندهی و کنترل هدف‌هایی در زنجیره تأمین آن گروه شبه نظامی مشخصی هستند که این حمله را سازماندهی و پیاده کرده است.»

با این حال، به گفته ووتل، علاوه بر اینکه دولت بایدن عملیات علیه این بازیگران غیردولتی را افزایش می‌دهد، احتمالاً «به دنبال هدف‌گیری مستقیم برخی اهداف ایرانی مانند فرماندهان نیروی قدس، تسهیل‌گران کلیدی و همچنین گروه‌های فرماندهی و کنترل و لجستیک است.»

جوزف ووتل که اکنون یک عضو ارشد مؤسسه خاورمیانه مستقر در واشنگتن دی.سی. است، می‌افزاید: «تحلیل‌های هدف‌گیری آمریکا احتمالاً و دست کم شامل هدف‌هایی است که ربط مستقیم‌تری با ایران دارند، مانند برخی دارایی‌های دریایی ایران یا احتمالاً هدف‌های ساحلی این کشور. تصمیم به هدف گرفتن اهدافی در ایران یک تصمیم بسیار بزرگ است، اما انتظار دارم که تصمیم‌گیرندگان در حال بررسی طیف وسیعی از گزینه‌ها باشند.»

### فشار تندروها به بایدن درباره ایران

شاهین‌ها در واشنگتن خواستار حمله به تهران هستند، اما دیگران به اتخاذ رویکردی محدودتر توصیه می‌کنند. فقط چند ساعت پس از حمله پهبادی مرکب‌ار روز یکشنبه شبه‌نظامیان مظنون به حمایت ایران به یک پایگاه نظامی آمریکا در اردن که

منجر به کشته شدن ۳ نظامی آمریکایی و زخمی شدن بیش از ۳۰ نفر شد، دوباره شاهد همصدایی آشنانی تندروها در واشنگتن برای فشار بر دولت بایدن برای بمباران ایران هستیم.



#### فاین پلیسی

جک دتن

می‌توان شناسایی کرد که به دلایلی عملی، از این رویکرد اجتناب کرده و توصیه‌های دیگری برای دولت کشور متبوع خود دارند. در نهایت به نظر می‌رسد در میان این رسانه‌ها و اندیشکده‌ها، غلبه‌ها جریان‌ی است که دولت آمریکا را از مواجهه نظامی مستقیم با ایران برحذر می‌دارند. دلایل این طیف، متنوع است. از جمله اینکه این رسانه‌ها یا اندیشکده‌ها بر این واقعیت تأکید می‌کنند که جمهوری اسلامی ایران، هرگونه ارتباط خود با این حمله را قویاً رد و تکذیب کرده است. این جریانی است که در نهایت به نیروهای محور مقاومت منتسب کرده و این نیروها را نیز متصل به ایران توصیف می‌کنند، اما به این واقعیت نیز اشاره می‌کنند که این امر، لزوماً به معنای دستورگرفتن عوامل حمله، از سوی ایران نیست. به هر صورت، نظریه پردازی و تحلیل‌های این رسانه‌ها، از واقعیتی دیگر نیز پرده برمی‌دارد؛ واقعیتی نام‌لای‌ها و جریان‌های پشت‌پرده در آمریکا که هر یک بر اساس مصالح و منافع خود، یا براساس میزان ضدیت با ایران، سعی در جهت‌دهی به افکارعمومی و دولت این کشور دارد. در هر صورت، مسأله این است که طیف غالب، که دولت آمریکا را از حمله مستقیم به اهدافی ایرانی برحذر می‌دارند، این امر را در درجه اول، مغایر با منافع ایالات متحده می‌دانند و معتقدند در صورت پاسخ متقابل ایران، پیامدهای گسترش درگیری‌ها قابل محاسبه نیست. به هر رو، مروری بر این موانع، گزارش‌ها و تحلیل‌ها، می‌تواند تصویری از بگومگوهای رسانه‌های طیف‌های مختلف سیاسی و نظامی ایالات متحده آمریکا به دست دهد؛ بگومگوهایی که نمی‌توان تأثیر نتیجه آن بر تصمیم‌نهایی‌جو بایدن را نادیده گرفت.

نشست اضطراری دولت بایدن درخصوص حمله به پایگاه نظامی آمریکا

### تاکتیک برنده ایران در قبال آمریکا

**آیا آمریکا در یک تله تشدید می‌گردد؟**  
**گروه‌های شبه نظامی گیر افتاده است؟**

COUNCIL on FOREIGN RELATIONS

#### اندیشکده شورای روابط خارجی

ری تکیه

بله، این احتمال وجود دارد. استراتژی جنگ نیابتی ایران همیشه این خطر را در خود داشته است. منطق اصلی ایران این بوده است که می‌تواند درد و آسیب بیشتری را از طریق نیروهای نیابتی خود در عراق، لبنان، سوریه و یمن به دشمنانش وارد کند، در حالی که هرگونه دخالت مستقیم را منکر می‌شود. بنابراین احتمال حملات تلافی‌جویانه به خاک خود را به حداقل می‌رسانند.

تا زمانی که نیروهای خود ایران درگیر نباشند، آمریکا و متحدانش تمرکز حملات خود را روی نیروهای نیابتی قرار می‌دهند. در این صورت منابع بیشتری از آمریکا را به این نبرد گشاده و نیروهای آمریکایی را در معرض خطر قرار می‌دهند. این تاکتیک از زمان شروع جنگ بین اسرائیل و گروه فلسطینی حماس در اکتبر مؤثر بوده است. امروزه، مرگ سه آمریکایی دولت جو بایدن را به سمت واکنشی قاطع‌تر، از جمله هدف قرار دادن خود ایران، سوق می‌دهد.

**درباره نفوذ ایران بر این گروه‌های «محور مقاومت» چه می‌دانیم؟ از جمله درباره گروهی که مسئولیت حمله یکشنبه گذشته را برعهده گرفت؟**

در این زمینه، ابهام چشمگیری وجود دارد و پیوندهای ایران با هر یک از گروه‌های نیابتی‌اش متفاوت است. ایران، نزدیک‌ترین رابطه را با حزب‌الله لبنان دارد.

ارتباط حوثی‌ها با ایران نیز طی جنگ داخلی یمن تقویت شده و از آن زمان تاکنون حمایت نظامی و هماهنگی آنان با حملات حوثی‌ها به کشتی‌ها در دریای سرخ افزایش یافته است. در عراق نیز به نظر می‌رسد که ملغمه گروه‌های شبه نظامی شیعه، ارتباط عملیاتی قابل توجهی با ایران داشته باشد. فرض گرفتن اینکه این گروه‌ها، تمام این حملات را بدون آگاهی قبلی ایران انجام می‌دهند، غیرمنطقی است.

**آیا ریسک رویارویی مستقیم آمریکا-ایران با تشدید حملات و ضد حملات وجود دارد؟**

بله، با افزایش حملات و واکنش‌های تلافی‌جویانه، خطر درگیری مستقیم بین ایالات متحده و ایران وجود دارد. اگر ایالات متحده اقدامی علیه ایران انجام دهد، جمهوری اسلامی مجبور به واکنش خواهد شد. پس از حمله پهبادی ایالات متحده که منجر به کشته شدن فرمانده ایرانی، قاسم سلیمانی، در ژانویه ۲۰۲۰ در بغداد شد، ایران با حمله موشکی به یک پایگاه نظامی ایالات متحده در عراق پاسخ داد. دولت دونالد ترامپ تصمیم گرفت به این حمله پاسخ ندهد و بحران فروکش کرد. اما امکان تشدید قابل توجه بحران وجود داشت. (اکنون هم هیچ یک از طرفین خواستار جنگ نیستند، اما معنی‌اش این نیست که چنین بحرانی به جنگ مستقیم نمی‌انجامد.

البته، در واکنش به این وضعیت، ممکن است به اقدامات دیپلماتیک و تحریم‌های اقتصادی روی آورده شود. اما این اقدامات ممکن است کمتر مؤثر باشند. ایالات متحده می‌تواند علیه اهداف ایرانی خارج از ایران اقدام کند، مانند هدف قرار دادن کشتی‌های نظامی یا نیروهای نظامی آن در کشورهای دیگر مانند عراق و سوریه. با این حال، مؤثرترین پاسخ احتمالاً حمله مستقیم به اهداف نظامی در داخل خود ایران خواهد بود، از جمله به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که با نیروهای نیابتی در منطقه سر و کار دارد. اما این کار خطرات واضحی از جمله تشدید در خاورمیانه‌ای را که هم‌اکنون هم پرتنش است به همراه دارد.



مسأله این است که طیف غالب، که دولت آمریکا را از حمله مستقیم به اهدافی ایرانی برحذر می‌دارند، این امر را در درجه اول، مغایر منافع ایالات متحده

می‌دانند و معتقدند در صورت پاسخ متقابل ایران، پیامدهای گسترش درگیری‌ها قابل محاسبه نیست. به هر رو، مروری بر این موانع، گزارش‌ها و تحلیل‌ها، می‌تواند تصویری از بگومگوهای نظامی ایالات متحده آمریکا به دست دهد؛ بگومگوهایی که نمی‌توان تأثیر نتیجه آن بر تصمیم‌نهایی‌جو بایدن را نادیده گرفت.

### کشته شدن آمریکایی‌ها کوه ضرورت آتش بس در غزه

شبه نظامیان تحت حمایت ایران، سربازان آمریکایی را کشته‌اند. تعداد کشته‌های فلسطینیان از ۲۶ هزار نفر گذشته و اسرائیل با دادگاهی برای رسیدگی به اتهام نسل‌کشی



#### استیمنسن

باربارا اسلوین

روبه‌رو است. (در این شرایط) کشته شدن آمریکایی‌ها، دلیل دیگری است بر ضرورت پایان دادن به جنگ غزه و دولت آمریکا باید تلاش‌های خود را برای رسیدن به آتش بس در غزه دوچندان کند، حتی همزمان با طراحی انتقام کشته شدن سربازان آمریکایی. ایالات متحده همچنین باید به طور مستقیم یا غیرمستقیم با ایران ارتباط برقرار کند تا به تهران بگوید تا جایی که ممکن است نفوذ خود بر شبه‌نظامیان عراقی را به کار گیرد تا حمله به آمریکایی‌هایی را که مأموریت‌شان با منافع خود ایران همسو است متوقف کند؛ یعنی جلوگیری از احیای دوباره گروه دولت اسلامی که به تازگی به عنوان مسئول حمله تروریستی به شهر کرمان ایران شناخته شد.

### تقابل دو نگاه در میان آمریکایی‌ها

پیامد دقیق تأکید «جو بایدن» و دیگر مقام‌های آمریکایی مبنی بر تلافی حمله پهبادی اخیر، گام بلندی است در مسیر شکل‌دهی به گستره‌ای که ایالات متحده پیش از این درگیر می‌شود؛ درگیری‌هایی که دولت بایدن بارها از زمان حمله ویرانگر هفتم اکتبر حماس به اسرائیل، وعده داده که از آنها دوری کند.

با این حال، به نظر می‌رسد که حمله اخیر، مؤید این واقعیت است که ایالات متحده هم‌اکنون به طور قابل توجهی به این مسیر کشیده شده است. تحلیلگران گوزد می‌کنند که در هنگامی که گروه تشدیدها، تمایل به اجتناب از جنگ، اغلب در قبال با فریادها، پر جوش و خروش برای واکنش نظامی قاطعانه قرار می‌گیرد.

### بایدن چگونه به حمله پهبادی واکنش نشان می‌دهد؟



#### مجله تایم

آنا گوردون

برای واکنش قدرتمندانه وارد کند. اما بر اساس گفته‌های نورمن، باوجود فشارهای جمهوری خواهان، بعید است که رئیس‌جمهور آمریکا به ریسکی دست بزند که بتواند جنگ منطقه‌ای با تهران را کلید بزند. صنم وکیلی، مدیر برنامه خاورمیانه و شمال آفریقا در اندیشکده چتم‌هاوس، با این نتیجه‌گیری موافق است. وکیلی می‌گوید: «قطعا قصد واکنش وجود دارد، رئیس‌جمهور آمریکا صراحتاً این را بیان کرده است. با این حال، ایران بسیار مضرب‌است تا خود را علناً از این حملات دور نگه دارد.» وکیلی افزود: «ایران به وضوح و به‌طور مکرر، و این جالب است- پیام‌رسانی می‌کند که این گروه‌ها را مستقیماً فرماندهی و کنترل نمی‌کند.»

### حیرت دولت بایدن در قبال ایران مشخص است

#### The Atlantic

#### مجله اتلانتيک

الیوت کوهن

پایگاه آمریکایی در اردن، نزدیک مرزهای سوریه و عراق، اصابت کرد. (این پهباد) سه پرسنل آمریکایی را کشت و ۲۵ نفر دیگر را زخمی کرد. حالا دوباره، ایالات متحده خود را در این حیرت می‌بیند که در گام بعدی چه باید بکند؟ وسوسه قدرتمند دولت بایدن این است که وارد بازی تلافی‌جویی شود، آن هم با هدف قرار دادن تجهیزات و تأسیسات (برای مثال، سکوهای پرتاب موشک) تا اینکه افراد (هدف قرار بگیرند) و سپس منتظر بماند تا اوضاع خود به خود روبه راه شود. آنها (دولتمردان آمریکا)، همچون همیشه، از تشدید (نزاع) می‌ترسند و این را به روشنی ابراز می‌کنند، همان‌طور که آنتونی بلینکن وزیر خارجه تأکید کرد که «هیچ‌کس از تشدید تنش‌ها سود نمی‌برد» و «هیچ‌کس نمی‌خواهد جبهه‌های بیشتری در این درگیری باز شود.»

### ایالات متحده برای این سناریوی کابوس‌وار آماده نیست!



#### اندیشکده شورای اتلانتيک

فردریک کمبه

وزیر دفاع پیشین آمریکا مخالفت کرد که زمانی کشته بود ایالات متحده امروزه با بزرگترین تهدید علیه نظم جهانی در دهه‌های گذشته، شاید هم در همه تاریخ این نظم، دست به گریبان است، یعنی با جنگ‌هایی چاره‌ناپذیر در اروپا و خاورمیانه و تنش‌هایی که می‌توانند

به راحتی در آسیا تشدید شوند. آنچه من در این مقاله تلاش دارم انجام دهم، این است که بهترین راه‌ها برای درک خطرات (و تا جایی که ممکن است) بهترین ایده‌ها برای چاره‌کردن آنها را پیدا کنم. اگر به دنبال مطالعه نوشته‌های بیشتری برای شناخت مشکل هستید، بویژه نوشته‌هایی که از دیدگاه تاریخی غنی‌ای برخوردارند، کلمه به کلمه مقاله «جنگ جهانی بعدی» نوشته «هال برزند» را که تازه در مجله «فارین افرز» منتشر شده، بخوانید. نویسنده این مقاله نگاه مفیدی به دوران پیش از جنگ جهانی دوم دارد، خیلی قبل از درگیر شدن ایالات متحده در آن جنگ که شاهد تجمع سه بحران منطقه‌ای بود: خشونت ژاپن در چین و منطقه آسیا-اقیانوس آرام؛ تلاش ایتالیا برای امپراطوری‌گری در آفریقا و دریای مدیترانه و پیشروی آلمان برای سلطه‌گری در اروپا و فراتر از آن. اما بیابید به امروز برگردیم که همچنین با سه چالش منطقه‌ای خطرناک و قدرت‌های خودکامه‌ای روبه‌رو هستیم که خطرناک‌تر به یکدیگر نزدیک می‌شوند؛ قدرت‌هایی که عمدتاً با عزم منفجر کردن وضعیت موجود متحد شده‌اند. چین می‌خواهد جایگزین ایالات متحده به‌عنوان قدرت برتر جهانی شود و آن را از غرب اقیانوس آرام بیرون کند.

در همین حال، روسیه می‌خواهد قلمرو و نفوذ از دست‌رفته با فروپاشی اتحاد شوروی را بازیس بگیرد که گام نخست آن اوکراین است. در خاورمیانه نیز، ایران و نیروهای وابسته به آن (از جمله حماس، حوثی‌ها و حزب‌الله) بر نابودی اسرائیل متمرکز دارند و در تقابل سلطه منطقه‌ای در برابر پادشاهی‌های خلیج (فارس) و ایالات متحده هستند. این کشمکش اخیراً دوباره با حمله یک گروه شبه‌نظامی وابسته به ایران به یک پایگاه آمریکایی در اردن خودنمایی کرد که در آن سه سرباز آمریکایی کشته و ده‌ها نفر زخمی شدند.

برندز یک اندیشمند پیچیده است و مقایسه‌های دقیقی می‌کند - به جای اینکه به نتایج عجلانه برسد. او می‌نویسد: اما فکر کردن به آن سناریوی کابوس‌وار همچنان ارزشمند است زیرا جهان ممکن است فقط به اندازه یک سوهمدیریت با درگیری فراگیر در اوراسیا فاصله داشته باشد - و نیز به این دلیل که ایالات متحده برای این احتمال آمادگی ندارد.